

Cyborg and its Challenges; A Reflection from the Perspective of Human Rights

*Mahdi Moradi Berelian**

DOI: 10.22096/HR.2023.559761.1494

Received Date: 05/08/2022 - Accepted Date: 27/11/2022

Abstract

Biotechnology with its incredible advances has accelerated the dream of achieving a hyper human depicted in fictional stories and movies by combining human biological organs with various implants and prostheses. The human-machine hybridization known as the cyborg has posed wide-ranging challenges for the humanities. The emergence of rival discourses such as post-humanism, which promise to transcend the concept of human and enter post-humanity, is one of the consequences of such a reality. Meanwhile, the story of human rights, which is to a large extent the story of humanism and the appreciation of the status of the current dominant species in the world, the conscious human, has faced new actors and, consequently, new questions; Can cyborg, as a half-human-half-machine phenomenon, fall under the umbrella of human rights in its current meaning and scope? Does the complex and somewhat unknown nature of cyborgs lead to the abandonment of the human concept and the eventual collapse of human rights? This article tries to answer the previous questions using a descriptive-analytical method. The result of the present paper is the need to reconsider the concept of man and re-articulate the meaning and scope of human rights, as well as explain the phenomenon of the cyborg as a prominent step in the evolution of the human species and not a departure from humanism.

Keywords: Biotechnology; Human; Machine; Transhuman; Posthuman; Prosthesis.

*Assistant Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran.

Email: m.moradib@umz.ac.ir



سایبورگ و چالش‌های آن؛ درنگی از چشم‌انداز حقوق بشر

مهدی مرادی برلیان*

DOI: 10.22096/HR.2023.559761.1494

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۶]

چکیده

زیست‌فناوری با پیشرفت‌های ناباورانه خود رؤیای دستیابی به یک آبرانسان را که در داستان‌ها و فیلم‌های تخیلی ترسیم شده است از راه درهم‌آمیزی اندامگان زیستی انسان با ایمپلنت‌ها و پروتزهای گونه‌گون با شتاب فزاینده‌ای به واقعیت نزدیک می‌کند. هیبریداسیون انسان و ماشین که با عنوان سایبورگ شناخته می‌شود، دشواری‌هایی فراخ‌دامنه برای علوم انسانی به بار آورده است. خودنمایی گفت‌مان‌های رویارو همچون پساانسان‌گرایی که نویددهنده گذار از مفهوم انسان و پانهادگی به پساانسانیت هستند از پیامدهای چنین واقعیتی است. در این میان، داستان حقوق بشر که تا اندازه فراوانی داستان انسان‌گرایی و قدردیدی منزلت‌گونه مسلط کنونی در جهان، یعنی انسان‌داری خودآگاهی است؛ بازیگران نوین و در نتیجه پُرسمان‌های تازه‌ای را فرآوری خود می‌بیند؛ آیا سایبورگ به مثابه پدیده‌ای نیمه‌انسان - نیمه‌ماشین می‌تواند زیر چتر حقوق بشر با مفهوم و گستره کنونی خود قرار گیرد؟ آیا سرشت پیچیده و تا اندازه‌ای ناشناخته سایبورگ بایسته دست‌کشیدن از مفهوم انسان و سرانجام فروپاشی حقوق بشر است؟ نوشتار پیش‌رو می‌کوشد با برگرفتن روشی توصیفی-تحلیلی افق‌هایی برای دست‌یافتن به پاسخ پرسش‌هایی از این دست بگشاید. دست‌آمده تحلیلی نگاشته حاضر بایستگی بازنگری در مفهوم انسان و مفصل‌بندی دوباره معنا و گستره حقوق بشر و همچنین تبیین پدیده سایبورگ همچون گامی برجسته در تطور گونه انسان و نه گسست از آن است.

واژگان کلیدی: زیست‌فناوری؛ انسان؛ ماشین؛ فرانسان؛ پساانسان؛ پروتز.

* استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

۱- مقدمه

دستاوردهای شگرف آدمی در گستره‌های زیست‌فناوری، مهندسی ژنتیک و هوش مصنوعی در دهه‌های گذشته، علوم انسانی و به‌ویژه، حقوق، فلسفه و اخلاق را در دام پُرسمان‌های بنیادین انداخته است؛ چنین موقعیتی بی‌گمان مجالی را برای اندیشه‌ورزان فراهم ساخته است تا از راه دوباره‌اندیشی در پیش‌فرض‌ها و یافته‌های خود، خوانش‌هایی چاره‌ساز و دام‌گریز از آنها به پیش نهند و در پاره‌ای موارد، حتی به بازسازی دستامده‌های به‌ظاهر خدشه‌ناپذیر خود پرداخته و بکوشند از آشفتگی برآمده از شتاب فزاینده دگرذیسی‌های فنی و پزشکی خارج شوند. «سایبورگ» (Cybernetic Organism (Cyborg)) یا آمیزه انسان و ماشین که از میانه‌های دهه ۱۹۶۰ وارد پژوهش‌های دانش پزشکی شد، منجر به انقلابی در این شاخه و پشت‌سرگرداندن تطورات معتدله از قرار دادن ابزارهای گونه‌گون در بدن و به‌کارگیری ایمپلنت‌های مغزی و حتی کوشش برای بازسازی نرم‌افزاری مغز انسان و بدین‌ترتیب توان‌افزایی درخور توجه جسمانی و ذهنی بشر گشت. شتاب‌گیری توسعه فناوری پیش‌گفته ناشی از عواملی چون نیازهای پزشکی، گرایش در میان نیروهای نظامی برای ایجاد سربازسایبورگ و همچنین تمایل افراد برای تقویت تواناهای طبیعی خود بوده است.^۱

با توجه به آنکه ریشه‌کاوی گفتمان حقوق بشر نمایانگر ابتنای آن بر ایده منزلت گونه ویژه‌ای، یعنی انسان خردمند است که خود دست‌یافت فلسفه انسان‌گرایی در روزگار روشنگری است، پیشرفت‌های زیست‌فناوری در حوزه سایبورگ پرسش‌های زیر را به‌پیش خواهد کشید: (۱) با توجه به درآمیختگی بیش‌ازپیش بشر با ابزارهای سایبرنتیک، آیا با تعریف نوینی از انسان روبه‌رو هستیم؟ آیا در حال پانهادن به دوران پسانسان‌گرایی هستیم؟ (۲) برداشت از «انسان» در گفتمان «حقوق بشر» تا چه میزان می‌تواند «سایبورگ‌ها» را در برگیرد؟ آیا می‌توان از «خود-سایبورگ» و «کرامت سایبورگ» سخن گفت؟ (۳) با توجه به اهمیت تمامیت جسمانی انسان، اساساً می‌توان از حق بر سایبورگ شدن دفاع کرد؟ (۴) معنای حقوق بشر در آینده احتمالی پسابشری چه خواهد بود؟ البته پرسش‌های پیش‌گفته همه چالش‌های محتمل را در برنمی‌گیرند و پُرپیداست که پاسخ موشکافانه به این چالش‌ها مجال فراتر از مقاله حاضر می‌طلبد؛ نگارنده می‌کوشد با کاربست روشی توصیفی-تحلیلی و با توجه به نبود پژوهشی مشخص درباره

1. Woodrow Barfield, "The Process of Evolution, Human Enhancement Technology, and Cyborgs," *Philosophies* 4, no. 1 (February 2019): 1-10, <https://doi.org/10.3390/philosophies4010010>.

چشم‌اندازهای فلسفی / حقوقی پدیده سایبورگ در پژوهش‌های داخلی، پرتوی بر مسائل پیش‌گفته بیفکند و آغازگر بررسی‌های پسین در این زمینه باشد. پیش‌فرض‌های نوشتار کنونی عبارت‌اند از: (۱) بدون بزرگ‌نمایی در دستاوردهای زیست‌فناوری، نمی‌توان دگرذیسی‌های پدیدآمده را برای بازاندیشی در مفاهیمی چون انسان، منزلت انسانی و شخصیت نادیده انگاشت؛ این بازتعریف می‌تواند در چهارچوب انگاره‌های گوناگونی صورت بگیرد که در متن بدان‌ها اشاره خواهد شد؛ در هر روی، دیر یا زود بایستگی این بازیابی پیش‌ازپیش نمایان خواهد شد؛ (۲) حقوق بشر بر مبنای ایده انسان خودبنیاد بنانهاده شده است؛ ولی باید دانست این گفتمان دگرگونی‌های قابل توجهی را از سر گذرانده تا در صورت کنونی خود دربرگیرنده همه انبای بشر شده است. بدین ترتیب، تطور برآمده از کاربست فناوری در گونه‌های انسانی، بایسته دگرگونی حقوق بشر همگام با وضعیت‌های نوین است؛ بی‌تردید پیکربندی دوباره حقوق بشر، زایشگر دگرگونی‌هایی در معنا و گستره آن در دنیای نوین است.

ساختار مقاله پیش‌رو به ترتیب زیر است: نخست پدیده سایبورگ مورد واکاوی مفهومی قرار گرفته و مقصود از آن در این نوشتار روشن می‌گردد؛ با توجه به آنکه پس‌آیند گسترش فناوری به بدن انسان، پیدایش گفتمان‌های پسا و فراانسان‌گرایی است، بخش بعدی را درنگی در این گفتمان‌ها تشکیل می‌دهد تا بتوان از این گذرگاه چستی سایبورگ را مورد بررسی قرار داد؛ دست آخر در فراز پایانی مسئله بنیادین مقاله، یعنی نحوه تعامل حقوق بشر با پدیده سایبورگ واکاوی می‌شود.

۲- چستی سایبورگ و «تبدیل شدن به سایبورگ» (Cyborgization)

در این پاره، مفهوم سایبورگ و گونه‌شناسی آن بررسی می‌شود؛ پرداخت صورت‌گرفته نشان می‌دهد که مفهوم سایبورگ از تعریفی سراسر است و بدون پیچیدگی برخوردار نیست؛ به همین ترتیب، گونه‌های مداخله فناوری در بدن جهت تبدیل شدن به سایبورگ ناهمگون بوده و ضروری است برداشت مختار از آنها روشن شود.

۲-۱- سایبورگ: در جست‌وجوی مفهومی مناقشه‌انگیز

در سال ۱۹۶۰ «کلاینز» و «کلین» برای نخستین بار واژه «سایبورگ» را که کوتاه‌شده گزاره اندامگان سایبرنتیک / رایانه‌ای است به کار برده و آن را به صورت علمی چنین تعریف کردند: «برخی دستگاه‌های ضروری برای آفرینش سامانه‌های خودتظیم انسان-ماشین کدام‌اند؟ این

خودتنظیمی باید بدون بهره‌گیری از خودآگاهی کار کند تا بتواند با کنترل‌های تعادل زیستی (هم‌ایستایی) خودگردان بدن ما همکاری کند. برای کارکرد یک مجموعه‌سازمانی گسترش‌یافته برون‌زا به‌مثابه یک سامانه هم‌ایستای ناخودآگاه، ما اصطلاح سایبورگ را پیشنهاد می‌کنیم.^۲ آنها به‌کارگیری چندین مداخله فناورانه همچون «کیپسول پمپ فشار اسمزی» (Pressure Pump Capsule Osmotic) را که به شیوه‌ای کاملاً تهاجمی بر ساختار جسمانی و روانی انسان تأثیر می‌گذارد و در نتیجه مشکلات روانی-فیزیولوژیکی ناهمگونی را که ویژگی حضور انسان در محیط فضایی (محیطی که موجودات زنده در فضا تجربه می‌کنند) است حل می‌کند، پیشنهاد کردند؛ در واقع از این دیدگاه، سایبورگ پیوند موجودی زنده با ابزار یا ابزارهای غیرزنده است.^۳ در سال ۱۹۸۵ «دانا هاراوی» (Donna Haraway) انگاره‌پرداز فمینیست در «مانیفست سایبورگ» (A Cyborg Manifesto)، این پدیده را چنین انگاشت: «سایبورگ اندامه‌ای سایبرنتیکی، پیوندی از ماشین و اندامه، آفریده واقعیت اجتماعی و به همان اندازه مخلوقی داستانی است. واقعیت اجتماعی، رابطه اجتماعی موجود، مهم‌ترین ساختار سیاسی ما، داستانی از دگرگونی جهان است».^۴

به باور «بارفیلد و ویلیامز» فناوری سایبورگ دربرگیرنده جایگزینی پروتز و دست‌های مصنوعی است که توسط فکر کنترل می‌شود؛ دستگاه‌های پروتز عصبی کاشته شده در مغز؛ و افزون بر این، افرادی را که مجهز به «ضربان‌دهنده قلب»، (Defibrillator) «پروتز شبکیه» (Retinal Prosthesis) و «کاشت حلزون» (Cochlear) هستند دربرمی‌گیرد.^۵ ایشان با کاربست چندواژه «پروتز سایبورگ» (Cyborg Prosthesis) آن را چنین انگاشته‌اند: «این چندواژه برای اشاره به پیشرفت‌های مصنوعی بدن به‌گونه‌ای که ارائه‌دهنده توانایی محاسباتی است، به‌صورت سامانه بازخورد حلقه بسته عمل کرده، قابل ارتقا بوده و با فکر قابل کنترل است یا مستقیماً در بدن کاشته می‌شوند، به کار گرفته می‌شود».^۶ چنین برداشتی از سایبورگ بسیار

2. Manfred E. Clynes and Nathan S. Kline, "Cyborgs and Space," *Astronautics*, no. 14 (September 1960): 29-30.

3. Daniel Stephen Halacy, *Cyborg - Evolution of the Superman* (New York: Harper and Row, 1965), 12.

۴. دانا هاراوی، *مانیفست سایبرگ: فمینیسم در روابط اجتماعی علم و فن‌آوری*، ترجمه امین قضایی (تهران: نشر گل‌آذین، ۱۳۸۷)، ۱۸.

5. Woodrow Barfield, and Alexander Williams, "Law, Cyborgs, and Technologically Enhanced Brains," *Philosophies* 2, no. 1 (February 2017): 1۶-
<https://doi.org/10.3390/philosophies2010006>.

6. Barfield and Williams, "Law, Cyborgs," 2.

موسع بوده و در برابر مفهوم‌سازی پیشین منعطف‌تر است. «ری کورزویل» از مجموعه مداخلات سایبورگ‌شدن همانند پیشرفت بنیادین سامانه‌های فیزیکی و ذهنی بدن انسان با به‌کارگیری فناوری‌های نورسیده مهندسی ژنتیک جانب‌داری می‌کند؛ از جمله به‌کارگیری نانوربات‌ها برای توان‌بخشی و در نهایت جایگزینی اندام انسان؛ طراحی دوباره دستگاه گوارش؛ جدا کردن جنسیت از کارکرد بیولوژیکی آن؛ استفاده از خون مصنوعی و قابل برنامه‌ریزی؛ جایگزینی کامل قلب انسان (با سلول‌های سوختی میکروسکوپی) و دیگر اندام‌های انسان و بازطراحی مغز.^۷ با فناوری می‌توان یک رایانه غیربیولوژیکی ساخت که از مغز انسان قابل تشخیص نیست؛ شبیه‌سازی کامل مغز.^۸ باری، گستره مفهومی سایبورگ از برداشتی کاملاً علمی و محدود تا خوانشی گسترده، نشان‌دهنده رویارویی با مفهومی سیال و مناقشه‌انگیز است که بسیاری از مداخلات سطحی تا بنیادین را در بدن انسان در برمی‌گیرد.^۹ بر این بنیاد، در فراز پسین، گونه‌شناسی مداخلات مبتنی بر سایبورگ در بدن انسان مورد بازشناسی قرار می‌گیرد.

۲-۲- گونه‌شناسی مداخلات تبدیل‌شدن به سایبورگ در بدن

پیش از آغاز بحث، بیان چند نکته بایسته است: نخست آنکه نباید سایبورگ‌ها را با ربات‌ها یا اندرویدها یکسان پنداشت؛ ربات و اندروید فناوری ناب هستند که با اندامگان زیستی درنیامیخته‌اند؛ طبیعتاً بررسی این فناوری‌های نورسیده خارج از چهارچوب نوشتار حاضر است؛ دوم، سایبورگ یک اندامگان خودتتظیم است که خصوصیات طبیعی و مصنوعی را با هم در یک سامانه می‌آمیزد؛ بر این اساس، لزوماً سایبورگ‌ها بخشی از انسان نیستند؛ چراکه هر اندامواره‌ای که تکامل‌یافته و زنده و بی‌جان را باهم بیامیزد، از نظر فنی یک سایبورگ است. «این امر می‌تواند زیست‌رایانه‌های مبتنی بر فرآیندهای ارگانیکی، سوسک‌هایی با ایمپلنت و میکروب‌های مهندسی زیستی را شامل شود».^{۱۰} روشن است که نوشتار حاضر بر سایبورگ‌های انسانی تمرکز دارد.

سایبورگ انسانی می‌تواند گستره فراخی از دگرگونی‌های ایجادشده در بدن انسان را در برگیرد؛ در یک چشم‌انداز گسترده، بازسازی فناورانه بدن از گذاشتن دستگاه تنظیم‌کننده

7. Ray Kurzweil, *The Singularity Is Near* (New York: Viking Adult, 2005), 228-234.

8. Mika Viljanen, "A Cyborg Turn in Law?," *German Law Journal* 18, no. 5, (September 2017): 1284-1286, <https://doi.org/10.1017/S2071832200022331>.

9. Blaž Ivanc, "The Right to Cyborgization in Slovenia," *Medicine, Law & Society* 12, no. 1 (April 2019): 4, <https://doi.org/10.18690/mls.12.1.1-16.2019>.

10. Chris Hables Gray, *Cyborg Citizen: Politics in the Posthuman Age* (London: Routledge, 2001), 2.

ضربان قلب تا واکسیناسیونی که سامانه ایمنی بدن را دوباره برنامه‌ریزی می‌کند، می‌تواند به‌عنوان سایبورگ به شمار آید؛ پس ضروری است تا میان گونه‌های توان‌افزایی در بدن انسان تمایز قائل شد. به‌طور کلی توان‌افزایی‌های فناورانه عبارت است از ارتقای ویژگی‌ها و قابلیت‌های انسانی که از راه بهره‌بردن از فناوری به دست می‌آیند و می‌تواند شامل ویژگی‌ها و توانایی‌های ذهنی، فیزیکی یا ترکیبی از هر دو باشد؛^{۱۱} بدین ترتیب، گونه‌شناسی سایبورگ می‌تواند با ایجاد تمایزی روشن‌تر مطمئن نظر قرار گیرد.

«سایبورگ‌های روزمره» (Everyday Cyborgs) شامل «افراد با فناوری‌هایی همچون مفاصل مصنوعی و پروتزهای ساده؛ اشخاص دارای دستگاه‌هایی مانند مکنده‌های انسولین؛ افراد با ابزارها پزشکی کاشته‌شده مانند ضربان‌ساز و افراد دارای پروتزهای پیچیده مانند پروتزهای شبکیه (چشم بیونیک) یا بازوهای مصنوعی الکترونیک»^{۱۲} می‌شود. با توجه به آنکه این دست مداخلات با هدف جایگزینی بخش‌های آسیب‌دیده بدن یا بازگرداندن کارکرد طبیعی آن است، می‌تواند در چهارچوب حق بر سلامت تحلیل شود.

دسته دیگری از مداخلات سایبورگ‌شدن، باهدف یاری‌رساندن به انسان‌ها صورت می‌گیرد تا بتوانند هوشمندتر، نیرومندتر و چالاک‌تر شده و زندگی دیربازتری را تجربه کنند.^{۱۳} مداخلات غیرپزشکی گسترده‌تر و تهاجمی‌تر بوده و دشواری‌های بیشتری را از نظر اخلاقی و حقوقی به همراه دارند. از جمله نمونه‌های سرشناس در این زمینه می‌توان به «نیل هاریسون» (Neil Harbisson) به‌عنوان نخستین سایبورگ اشاره کرد که با کار گذاشتن شاخک یا «آی‌بورگ» (Ayeberg) در جمجمه خود بر بیماری کوررنگی‌اش چیره شد.^{۱۴} آنچه از نظرگاه این نوشتار چالشی برای حقوق بشر امروزی انگاشته می‌شود، سایبورگ در مفهوم مکانیزه شدن انسان و جایگزین شدن بخش‌هایی از بدن آن با قطعات مصنوعی هوشمند است و نه هر گونه تغییری که در بدن ایجاد می‌شود. گرچه مرزبندی پیش‌گفته را نمی‌توان

11. Philip Brey, "Human Enhancement and Personal Identity," in *New Waves in Philosophy of Technology*. *New Waves in Philosophy*, eds. Jan Kyrre Berg Olsen, Evan Selinger and Søren Riis (London: Palgrave Macmillan, 2009), 173-174.

12. Muireann Quigley and Semande Ayihongbe, "Everyday Cyborgs: On Integrated Persons and Integrated Goods," *Medical Law Review* 26, no. 2 (Spring 2018): 279, <https://doi.org/10.1093/medlaw/fwy003>.

13. Russell Belk, "Robots, Cyborgs, and Consumption," in *the Cambridge Handbook of Psychology and Economic Behaviour*, ed. Alan Lewis (Cambridge: Cambridge University Press), 743.

14. Ellen Pearlman, "I, Cyborg," *PAJ: A Journal of Performance and Art* 37, no. 2 (May 2015): 84.

بی‌کم‌وکاست روشن و بدون گستره‌های هم‌پوشان مدنظر قرار داد، دسته‌ واپسین که در بردارنده مداخلات توان‌افزا و گسترده بوده و می‌تواند در چشم‌انداز ترسیمی از سوی پژوهشگران دست‌آخر به بارگذاری مغز آدمی در رایانه منتهی شود، بنیادی‌ترین پُرس‌مان‌ها را برای حقوق بشر معاصر به میان خواهد آورد.

۳- سایبورگ، انسان و پسا-فراانسان

درهم‌آمیزی گسترده فناوری با بدن انسان و دگرگونی‌های برآمده از آن، بحث‌های مهمی را درباره ماهیت انسان، امکان‌گذار از آن و سرانجام طرح فلسفه پسا-فراانسان‌گرایی به میان آورده است. تأملی کوتاه در بنیادهای «پساانسان‌گرایی» (Posthumanism) و گفتمان‌های مرتبط با آن فراهم‌کننده مقدمات بایسته برای واکاوی سایبورگ و پاسخ به چالش‌های حقوق بشری آن است.

۳-۱- پساانسان‌گرایی: دوگانه انسان و سایبورگ

مفهوم انسان همچون دارنده «آگاهی حاکم و خودبنیاد» (Sovereign and Autonomous Consciousness) با تجربیات زیسته بشری سست شده است؛ عوامل پیرامونی، اعم از اجتماعی و طبیعی، ذهن انسان را به روش‌های ظریف و ناخودآگاه تحت تأثیر قرار می‌دهند. بدن‌های انسان‌ها گوناگون هستند و ناهمسانی‌های جسمانی اغلب تفاوت‌هایی در ظرفیت فاعلی به همراه دارند؛ پساانسان‌گرایی با چنین دیدگاهی دست‌آخر به این فرجام می‌رسد که ما باید خود را به‌عنوان پساانسان درک کنیم تا انسان.^{۱۵} «کاترین هیلز» پساانسان را همچون یک «مفهوم خوشه‌ای» (Cluster Concept) و بدون کانون یگانه واکاوی می‌کند. به گفته وی، پساانسان تبادل اطلاعات را بر «زیست‌شناسی جسمانی» (Corporeal Biology)، آگاهی را به‌منزله «پدیده ثانوی» (Epiphenomenal) به جای امری «عاملانه» (Agential)، تن‌ها را به‌عنوان «پروتز فناوری» (Technological Prosthesis) تا به‌مثابه جایگاه برتر رفتار و انسان‌ها را به‌منزله موجودات درهم‌تنیده با اشکال مصنوعی و سایبرنتیک زندگی برتری می‌دهد؛ پساانسان با مفهومی از انسان که در فلسفه مدرن اروپایی رایج است؛ یعنی ذهنی که

15. Nicholaos Jones and Holly Jones, "Race as Technology: From Posthuman Cyborg to Human Industry," *Ilha do Desterro* 70, no. 2 (June 2017): 40, <https://doi.org/10.5007/2175-8026.2017v70n2p39>.

به‌گونه طبیعی مالک بدن جسمانی خود است، از آگاهی برای اعمال اراده و کنترل رفتارهای بدنی استفاده می‌کند و از دیگران، یعنی حیوان و ماشین به دلیل بهره‌مندی از ظرفیت برای کنش خودبنیاد متفاوت است، در تقابل قرار دارد.^{۱۶} بر این بنیاد، پسانسان‌گرایی دل‌مشغول ساختارشکنی ایده‌های مدرن انسان است. این گفتمان غالباً ایده انسان را به‌منزله مانعی برای اندیشیدن به استقلال، مسئولیت اخلاقی، عاملیت و حقوق در فضاها، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی رد می‌کند. همچنین، دل‌بستگی‌ای آشکار به عدم تعریف طبقه‌بندی‌شده از «شخص» (Person) دارد و تنها آن را با مفهوم انسان یکسان می‌انگارد. «رها شدن از مفهوم انسان به این معناست که ما باید از مفهوم شخص نیز رها شویم. چرایی چنین امری آن است که نقطه مرجع پسانسان‌گرایی برای درک انسان، ایده‌ای از آن است که در دوران روشنگری شکل گرفت؛ بنابراین، انسانی که نوشته‌های پسانسان‌گرایانه دیده می‌شود، معمولاً سایه‌ای از مرد سفیدپوست «ویترووین» (Vitruvian) است؛ یعنی موجودی خردمند، دگرجنس‌گرا، منسجم، اعمال‌کننده قدرت، دارای برتری‌ها و ویژگی‌های برجسته».^{۱۷} بدین ترتیب، «ایده انسان که در علوم انسانی نهفته است، یعنی مفروضات ضمنی درباره اینکه چه چیزی بن‌مایه اصلی برای سوژه دانا/حقیقت‌جو را تشکیل می‌دهد، الگو ویترووینی است؛ این تصویری از انسان به‌مثابه حیوانی منطقی است که دارای زبان است».^{۱۸} از این نگره، پسانسان‌گرایی می‌کوشد با میانجی‌گری فناوری، کدهای زیست‌ژنتیکی، ابزارهای ارتباطی، رسانه‌های نوین و فناوری‌های اطلاعاتی را برای بازکردن علوم انسانی به کار گیرد. سوژکتیویته پسانسانی، با تأکید بر دگرآیینی و رابطه‌مندی چندوجهی به جای خودمختاری و خلوص انضباطی خودارجاع، چپستی کنش‌های انسان‌گرایانه را دوباره شکل می‌دهد.^{۱۹}

بیشتر پسانسان‌گرایان گرایش به دوگانه‌سازی میان انسان و سایبورگ دارند. «ارتباط میان فناوری و دستگاه عصبی انسان بر سرشت فرد تأثیر می‌گذارد و پرسش‌هایی را درباره معانی «من» و «خود» ایجاد می‌کند؛ فردی که یک جفت عینک به چشم می‌زند، خواه حاوی رایانه باشد یا نباشد، با احترام موجودی مستقل باقی می‌ماند؛ در همین حال، انسانی که سیستم عصبی او به یک رایانه مرتبط است، نه تنها فردیت خود را به چالش می‌کشد، بلکه هنگامی که رایانه به یک شبکه

16. Katherine N Hayles, *How We Became Posthuman: Virtual Bodies in Cybernetics, Literature, and Informatics* (Chicago: University of Chicago Press, 1999), 2-3.

17. Aleksandra Lukaszewicz, *Cyborg Persons or Selves* (Poland: Mediów Akademii Sztuki w Szczecinie, 2019), 17-18.

18. Rosi Braidotti, *The Posthuman* (Cambridge: Polity Press, 2013), 143.

19. Rosi Braidotti, *The Posthuman*, 145.

متصل است، اجازه می‌دهد تا خودمختاری‌اش در معرض خطر قرار گیرد.^{۲۰} «وارویک» از چشم‌انداز ارزش‌های اخلاقی دشواری مربوط به «آگاهی انسان» (Human Consciousness) را که به صورت مصنوعی تغییر یافته مدنظر قرار می‌دهد. پرسش بنیادین آن است که هنگامی که آگاهی فردی مبتنی بر سامانه عصبی دوگانه ماشین و انسان است، به‌ویژه زمانی که آگاهی سایبورگ را نشان می‌دهد، آیا به اخلاقیات و ارزش‌های سایبورگ نیز پایبند خواهد بود؟ آیا این اخلاقیات و ارزش‌ها متفاوت از گونه انسانی آن هستند؟ آیا سایبورگ‌ها که به منزله پسانسان عمل می‌کنند، انسان‌ها را همانند نیچه می‌پندارند؛ تا اندازه‌ای که انسان‌ها در حال حاضر به گاو‌ها یا شامپانزه‌ها نگاه می‌کنند؟^{۲۱} رهیافت گفتمان پسانسان‌گرایی با پشت سر گذراندن مفهوم انسان و ترسیم دوتایی انسان و سایبورگ، سرانجام نمی‌تواند برای ساماندهی جامعه شکل گرفته از آشکال نوین افراد، چاره‌گری نماید؛ در برابر، «فرانسان‌گرایی» (Transhumanism) ارائه‌دهنده چشم‌اندازی است که در آن این آشکال نوین نه چون گسستی از مفهوم انسان، بلکه به‌مثابه گامی برجسته در سیر تطور آن پنداشته می‌شود.

۳-۲- فرانسان‌گرایی: فرگشت انسان به ابرانسان

فرانسان‌گرایی به‌مثابه روشی برای اندیشیدن درباره آینده بر این انگاره استوار است که گونه بشر در نمود کنونی خود، پایان فرگشت آن نخواهد بود، بلکه یک مرحله کم‌وبیش نخستین است. فرانسان‌گرایی مشخصاً با چنین ویژگی‌هایی تعریف می‌شود: «(۱) جنبش فکری که امکان و مطلوبیت بهبود بنیادین وضعیت انسان را از راه کاربست خرد تأیید می‌کند، به‌ویژه از راه گسترش و در دسترس نهادن فناوری‌های گسترده برای از میان بردن پیری و افزایش ظرفیت‌های اندیشه‌ای، جسمی و روانی انسان؛ (۲) مطالعه پیامدها، نویدها و خطرات نهفته فناوری‌ها و به‌ویژه موضوعات اخلاقی مرتبط با گسترش و به‌کارگیری چنین فناوری‌هایی».^{۲۲} پس فرانسان‌گرایی به‌مثابه گسترش اندیشه انسان‌گرایی قلمداد شده و بر ریشه‌های فلسفه روشنگری تأکید دارد. فرانسان‌گرایان با اندیشه‌های انسان‌گرایانه مبنی بر اهمیت فرد و امکان بهبود اوضاع وی بر مبنای تفکر عقلانی، آزادی، دموکراسی، مدارا همدل‌اند؛ با وجود این، باور

20. Kevin Warwick, "Cyborg Morals, Cyborg Values, Cyborg Ethics," *Ethics and Information Technology*, no. 5 (September 2003): 131-132, <https://doi.org/10.1023/B:ETIN.0000006870.65865.cf>.

21. Kevin Warwick, "Cyborg Morals," 132-133.

22. Nick Bostrom, "The Transhumanist FAQ: A General Introduction," in *Transhumanism and the Body*. *Palgrave Studies in the Future of Humanity and Its Successors*, eds. Calvin Mercer and Derek F. Maher (New York: Palgrave Macmillan, 2014), 4.

دارند همان‌طور که انسان‌ها از ابزارهای عقلانی برای بهبود وضعیت خود و محیط پیرامونشان استفاده می‌کنند، می‌توانند از این ابزارها برای بهبود تن و ارگان‌های خود نیز بهره‌گیرند؛ در این امر، انسان محدود به روش‌های سنتی انسان‌گرایانه مانند آموزش و توسعه فرهنگی نیست؛ بلکه می‌تواند با کاربست ابزارهای فناورانه فراتر از آنچه برخی به‌مثابه «انسان» فکر می‌کند حرکت کند.^{۲۳} در واقع، فرانسوا گرابی تصویرگر پرده‌گامی میان انسان‌گرایی و پسانسان‌گرایی است که گذرا بوده و با استفاده عامدانه انسان از فناوری برای توان‌بخشی بدن، امکانات ذهن و افزایش طول عمر مشخص می‌شود. بدین آیین «بشریت می‌تواند و باید به مرحله پسین تکامل از جمله سلامتی کامل و جاودانگی حرکت کند».^{۲۴}

فهم بهتر گفتمان پیش‌گفته در پرتو سنجش آن با فلسفه پسانسان‌گرایی ممکن می‌شود؛ می‌توان ادعا کرد فرانسوا گرابی به‌مثابه مقوم اندیشه انسان‌گرایی، گونه‌ای از «ابرانسان‌گرایی» (Hyper-Humanism) انگاشته می‌شود، در حالی که پسانسان‌گرایی به‌مثابه اصطلاحی برای پوشش گونه‌های ناهمسانی از گفتمان‌هاست که مفاهیم و ارزش‌های نخستین انسان‌گرایی را نمی‌پذیرند. در حالی که بی‌گمان یک انسان‌گرایی وجود ندارد که بتوان آن را شناسایی کرد، ولی به‌عنوان آماج رایج انتقادات پسانسان‌گرایانه، مفاهیم و دوگانگی‌های پایداری در فرهنگ غربی وجود دارد، مانند طبیعت/فرهنگ، مرد/زن، سوژه/ابژه، انسان/حیوان، یا بدن/ذهن که به‌دست اندیشمندان پسانسان‌گرا به چالش کشیده می‌شود. گرچه هر دو رویکرد، پیش‌آمد هم‌تطوری انسان با فناوری را مورد توجه قرار می‌دهند و متفکران در هر دو شاخه، گاهی از زمینه هسته‌ای «پسانسان» استفاده می‌کنند؛ با این حال، در پسانسان‌گرایی، این مفهوم به‌منزله برجسبی برای خوانشی نو عمل می‌کند که شاید جایگزین روایت «انسان» شود، نه برای یک انسان کاملاً پیشرفته. پس فرانسوا گرابی با یک امر مستقیم بازشناخته می‌شود؛ یعنی تأیید گسترش فناوری و چشم‌انداز یک انسان پیشرفته.^{۲۵} پسانسان‌گرایی می‌کوشد تا ما را برای جهان پس از چیرگی انسان که بیشتر به مفهوم پس از برچیدگی انسان است، آماده کند؛ در حالی که فرانسوا گرایان به سبب مداخلات فناوری، بیشتر بر اشکال پیکربندی دوباره انسان و شرایط انسانی تمرکز دارند.

23. Nick Bostrom, "The Transhumanist," 3.

24. Christina Bieber Lake, *Prophets of the Posthuman: American Fiction, Biotechnology, and the Ethics of Personhood* (Notre Dame, Indiana: University of Notre Dame Press, 2013), 169.

25. Robert Ranisch, and Stefan Lorenz Sorgner, "Introducing Post- and Transhumanism," in *Post- and Transhumanism: An Introduction*, eds. Robert Ranisch, and Stefan Lorenz Sorgner (New York: Peter Lang, 2014), 8-13.

باید دانست در بیشتر موارد واژگان سایبورگ و فرانسان‌گرایی به جای یکدیگر به کار برده می‌شوند و چشم‌انداز ترسیمی از سوی برخی فرانسان‌گرایان سرانجام، تطور از انسان به سایبورگ است.

۴- سایبورگ و گفتمان حقوق بشر: پیکربندی دوباره یا فروپاشی؟

از نظرگاه حقوق بشر پرسش بنیادین آن است که با توجه به سرشت ترکیبی و پیچیده سایبورگ‌ها آیا آنها می‌توانند دارنده «حقوق بشر» باشند؟ به بیان دقیق‌تر آیا گذار به وضعیت پسا یا فرانسان بایسته مفصل‌بندی دوباره حقوق بشر است؟ یا اینکه نمایانگر فروپاشی آن چیزی است که تاکنون حقوق بشر نامیده شده است؟ به بیان دیگر پیدایش سایبورگ‌ها ناقض کرامت ذاتی و تمامیت جسمانی انسان و در نتیجه ناقض حقوق بشر است؟ در این پاره به تحلیل پرسش‌های پیش‌گفته مبادرت می‌شود.

۴-۱- سایبورگ: نقض منزلت انسانی و زیست‌فن‌گرایی

اصل منزلت انسانی از دستاوردهای اندیشگانی بشر به‌ویژه در اروپاست که اکنون به‌مثابه بنیادی‌ترین مبنای برخورداری برابر آدمیان بدون توجه به ویژگی‌های گونه‌گون عرضی‌شان از حق‌های بشری به شمار می‌آید. می‌توان ادعا کرد اگر یک ارزش اخلاقی بنیادین در پس فرهنگ مدرن نهفته باشد، ارزش منزلت انسانی است. «جرمی والدرون» از چهارچوب مفهومی خاصی دفاع کرده است که در آن وی منزلت انسانی را افزون بر قرار دادن در زمینه حقوق بشری، به ایده متناقض‌نما و چالش‌برانگیزی پیوند می‌دهد که بر پایه آن، همه افراد بشر در مرتبه والایی از نجابت و شرافت، مشترک پنداشته می‌شوند؛^{۲۶} در واقع، مقصود وی از کرامت و منزلت انسانی به‌مثابه رتبه، نه اشاره به رتبه برخی افراد در برابر دیگران، بلکه تبیین مقام انبای بشر در زنجیره هستی و در برابر دیگر موجودات است.

مفاهیم طبیعت انسان و حقوق بشر به‌صورت قابل توجهی با عضویت در گونه «ما» مرتبط است، «زیرا حقوق قرار است تضمین‌کننده نوع زندگی باشد که همه نمونه‌های انسان خردمند به آن نیاز دارند»^{۲۷} پس مفهوم حقوق بشر بر «ایده یک وضعیت طبیعی و کمابیش

26. Jeremy Waldron, "Dignity and Rank In memory of Gregory Vlastos," *European Journal of Sociology* 48, no. 2 (August 2007): 203, <http://dx.doi.org/10.1017/S0003975607000343>.

27. Mary Midgley, "Biotechnology and Monstrosity. Why We Should Pay Attention to the Yuk Factor," *The Hastings Center Report* 30, no. 5 (October 2000): 9,

<https://doi.org/10.2307/3527881>.

پایدار انسانی استوار است».^{۲۸} همان‌گونه که «فرانسیس فوکویاما» درباره دگرگونی‌های زیست‌فناوری تأکید کرده است، فناوری‌های نورسیده سایبورگ می‌توانند کرامت ذاتی و حقوق بشر انسان‌ها را به خطر بیندازند؛ از دید او، پیشرفت‌های آینده در فناوری سایبرنتیک منجر به ویرایش نهادهای پیچیده تکامل‌یافته ما می‌شود که می‌تواند یکپارچگی یا ماندگاری طبیعت انسانی و سرانجام حقوق بشر مبتنی بر آن را مختل کند و دست‌آخر بر تعادل ماهیت مشترک انسانی ما تأثیر گذارد.^{۲۹}

در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر شناسایی کرامت ذاتی، حقوق برابر و سلب‌ناشدنی همگی اعضای خانواده بشری به‌مثابه بنیاد آزادی، برابری و صلح در جهان پنداشته شده است. منشور حق‌های بنیادین اتحادیه اروپایی با بیان حق بر تمامیت فردی دست‌کم برخی گونه‌های تبدیل شدن به سایبورگ همچون شبیه‌سازی انسان یا به‌تازادی را ممنوع کرده است.^{۳۰} (بند دوم از ماده سوم منشور) بر پایه چنین برداشتی از حقوق بشر و منزلت انسانی، به نظر می‌رسد «زیست‌فن‌گیزان» (BioLuddites) با تمسک به‌گونه‌ای از «انسان-نژادپرستی» (Human-Racism) یعنی این اندیشه که تنها انسان‌ها می‌توانند صاحب حق باشند، برخورداری حیوانات باهوش و ربات‌ها را از حق انکار کنند.^{۳۱} ایشان بر این باور هستند که «شبیه‌سازی و دگرگونی‌های ژنتیکی موروثی را می‌توان جنایاتی علیه بشریت از گونه منحصر به فرد تلقی کرد؛ چراکه به‌مثابه شگردهایی هستند که می‌توانند سرشت خود بشریت را با در دست گرفتن تکامل انسان و هدایت آن به‌سوی گسترش گونه نوینی که هرازگاهی پساانسان نامیده می‌شود، به خطر بیندازند... عضویت در گونه انسانی برای معنا و اجرای حقوق بشر نقش بنیادی دارد».^{۳۲} از آنجایی که زیست‌فناوری از بنیاد انسان و منزلت آن را به

28. Steven Livingston and Mathias Risse, "The Future Impact of Artificial Intelligence on Humans and Human Rights," *Ethics & International Affairs* 33, no. 2 (June 2019): 30, <https://doi.org/10.1017/S089267941900011X>.

۲۹. فرانسیس فوکویاما، *آینده پسا انسانی ما*، ترجمه حبیب‌الله فقیهی‌نژاد (تهران: مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران، ۱۳۸۴)، ۲۱۳، ۲۷۷، ۲۷۹-۲۸۰.

30. "Charter of Fundamental Rights of the European Union," Last Visited August 4 2022, <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX:12012P/TXT>.

31. James Hughes, *Citizen Cyborg: Why Democratic Societies Must Respond to the Redesigned Human of The Future* (Boulder, Colorado: Westview Press, 2004), 15.

32. George. J. Annas, Lori B. Andrews and Rosario Isasi, "Protecting the Endangered Human: Toward an International Treaty Prohibiting Cloning and Inheritable Alterations," *American Journal of Law & Medicine* 28, no. 2-3 (2002): 153,

<http://dx.doi.org/10.1017/S009885880001162X>.

مخاطره می‌اندازد، باید به مهار آن پرداخت و نمی‌توان از مقوله‌ای تحت عنوان حق بر تبدیل شدن به سایبورگ سخن گفت؛ همچنین گونه انسان خردمند مبتنی بر آگاهی خودبنیاد تنها شایسته برخورداری از حق و امتیازات مربوط به آن است. در بخش پسین مقاله، در برابر چنین دیدگاهی احتجاج مبتنی بر امکان و بایستگی پیکربندی دوباره حقوق بشر جهت پاسخ به دگرگونی‌های شتابان گونه انسان بر اثر فناوری تبیین می‌گردد.

۴-۲- هویت سایبورگ: بازتعریف انسان و امکان «خود سایبورگ»

تبدیل شدن به سایبورگ می‌تواند در برداشتی واقع‌گرایانه به‌مثابه گامی نوین در دگرگونی مفهوم انسان و زمینه‌ساز بازتیین آن و سرانجام بازاندیشی در معنا و گستره حقوق بشر باشد. در چنین گفتگویی که بیشتر در چهارچوبی پس‌اداروینی و در مناظره با فلسفه کانت شکل می‌گیرد، خود انسانی دستامد فرگشت از گونه نخستین به دلیل آفرینش زبان با همه پیامدهای برآمده از آن به‌ویژه جهان فرهنگ است؛ «جهان انسانی از پیوستگی حیوان و انسان، دگرگونی مصنوعی انسان‌های نخستین که خود وظیفه‌مند یا شخص را به وجود می‌آورد، ظهور یافته است؛ یعنی زمانی که قدرت‌های واکنشی بدیع از راه اختراع و چیرگی بر زبان امکان‌پذیر شد. پس گذرگاه فرگشتی انسان خردمند مدرن از تکامل فرهنگی زبان و نیروهای منحصر به فرد (ترکیبی) آن، که بر دگر دیسی اجتماعی نخستین انسان‌ها به اشخاص مصنوعی تأثیر می‌گذارد، جدا نیست».^{۳۳} سیر فرگشت انسان را بایستی از نخستین گونه‌های انسانی به فردی سرتاسر توسعه یافته، فرهنگ‌پذیر، زبان‌آموز و مصنوع‌کنشگر و اشکافی کرد. سپس، خود انسانی یک کنشگر ذهنی است که از جهان طبیعی ساخته شده و در جهان انسانی و مصنوع فعال است؛ پس می‌توان او را آمیخته از تکامل طبیعی و مصنوع پنداشت.

اصطلاح «دورگه‌ای» (Hybrid) که به‌وسیله «ژوزف مارگولیس» استفاده می‌شود، دارای گستره گسترده‌ای بوده که اشاره به درهم‌تیدگی طبیعت و فرهنگ دارد و افزون بر این می‌تواند گونه‌ای ارجاع به نوشته‌های پساانسان‌گرایان درباره آمیختگی و دوگانگی باشد؛ این اصطلاح انسان‌ها را به‌منزله موجودات دورگه‌ای که پیشاپیش وجود داشته‌اند و آمیزه‌ای ویژه از زیست‌شناسی و فناوری هستند، قلمداد می‌کند که به‌شکل سایبورگ یا گونه‌های نوینی از دورگه‌ها، پدیدار می‌شوند؛ سایبورگ شکل بسیار ویژه‌ای از «آمیختگی» است؛ آمیخته از

33. Joseph Margolis, "Toward a Metaphysics of Culture," *Human Affairs* 23, no. 4 (September 2013): 475, <https://doi.org/10.2478/s13374-013-0143-3>.

خود «طبیعی» انسان و فناوری تهاجمی و پیش‌رونده.^{۳۴}

نظرگاه پیش‌گفته در برهم‌کنش با استعلاگرایی کانتی که بر پایه عقل خودبنیاد به‌مثابه مبنای منزلت انسانی شکل‌گرفته^{۳۵} استوار است؛ از این رویکرد، شخص انسان تنها یک موجود عاقل پنداشته نمی‌شود، بلکه دگرگونی مصنوعی نخستین انسان است؛ خط سیر تکاملی ترسیمی از تکامل بیولوژیکی به آرامی افزایش می‌یابد، با آفرینش زبان دچار اختلال می‌شود و سپس ادامه می‌یابد و با پیچیدگی‌های فرهنگی و زبانی توسعه ترکیب می‌شود. پس تداوم میان انسان‌ها و سایبورگ‌ها به مصنوع بودن و فرهنگ بستگی دارد، دقیقاً همان‌طور که تداوم میان حیوانات و انسان بر مواد زیست‌شناختی استوار است. سیر تکاملی در سطح فرهنگی و زبانی ادامه می‌یابد و در سطح زیست‌شناختی به دلیل تأثیر فناوری دچار اختلال می‌شود که به نوبه خود بر سطح عمدی ادراک، شناخت و پیوندها در فرهنگ و جامعه تأثیر می‌گذارد. بر این مبنا «خود انسان» (Human Self) که سرشتی ترکیبی دارد به «خود سایبورگ» (Cyborg Self) که گونه ویژه‌ای از آمیختگی است، دگردیسی خواهد یافت؛ باری تداوم میان انسان و سایبورگ باید از نوع هستی‌شناختی و نه زیست‌شناسی در نظر گرفته شود، چراکه در سطح زیست‌شناختی بدن انسان‌ها دگرگونی‌های برجسته‌ای را تجربه می‌کنند. این ادعا که خود انسان «دگردیسی ترکیبی و مصنوعی از گونه نخستین ما انسان‌هاست» به این معنا نیست که این انسان را «دورگه» یا «سایبورگ» بدانیم؛ به عبارت دیگر، نمی‌توان سایبورگ‌ها را همان موجودات انسانی قلمداد کرد؛ تأثیر فناوری که در بدن انسان، ذهن، خاطرات، احساسات، شیوه‌ها و روش‌های حرکت/انتقال در فضای فیزیکی تهاجمی و گسترده است، انکارناشدنی است؛ چنین امری نه تنها روش عملکرد افراد در جامعه یا شیوه‌های ارتباطی را تغییر می‌دهد، بلکه روش‌های خودشناسی و شیوه‌های اندیشه‌گری را نیز دگرگون می‌کند.

مفهوم‌یابی انسان به‌مثابه دارنده ماهیت مصنوعی و ترکیبی، امکان تأمل درباره تکامل بین افراد تنها انسانی و اشخاص سایبورگ را فراهم می‌کند، بدون اینکه آنها را به دلیل ناهمسانی‌های بنیادی در حالت «طبیعی» انسان و حالت «مصنوعی» بودن سایبورگ، در تقابل با هم (همچون پسانسان‌گرایان) قرار دهد؛ پس می‌توان ادعا کرد با نوعی تداوم میان

34. Aleksandra Lukaszewicz, *Cyborg Persons*, 21-22.

۳۵. سید محمد قاری سیدفاطمی، حقوق بشر معاصر، دفتر اول: درآمدی بر مباحث نظری؛ مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع (تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۹۶)، ۲۲.

انسان و سایبورگ در سطح زبانی و فرهنگی در عین اختلال زیستی بر اثر استفاده گسترده فناوری روبه‌رو هستیم.^{۳۶} مفهومی که در این اندیشه از شخص ارائه و تحلیلی که درباره «هنجارگرایی» (Normativity) بیان می‌شود، اجازه می‌دهد تا احتمالات گوناگونی برای تحقق کارکرد شخص بودن در بدن‌های ناهمسان، جوامع و زمان‌های متمایز شناسایی شود.

«مارگولیس» هنجارگرایی را نه امری «متعالی» (Transcendental)، بلکه کاملاً رخدادی و ربطی قلمداد می‌کند. هنجارگرایی به‌مثابه دربردارنده ملاحظات اخلاقی، اجتماعی و سیاسی که در آن با هنجارهای «فاعلی» (Agentive) به‌عنوان موضوع علوم انسانی روبه‌رو هستیم، لزوماً به یک گونه، انسان خردمند، وابسته نیست؛ هنجارهای فاعلی (اخلاقی، سیاسی، ...) به اشخاص و نه به‌گونه‌های بیولوژیکی مرتبط هستند؛^{۳۷} چنین دیدگاهی در برابر فلسفه استعلایی کانت، ادعاهای مبتنی بر اینکه هنجارگرایی باید تنها مربوط به یک گونه خاص باشد را بی‌اساس می‌پندارد. کانت «با رسیدن به من استعلایی و کشف وحدت منطقی آن در پرتو تحلیل کارکرد و ساختار مقولات محض فاهمه توانسته است الگویی از معرفت به دست دهد که بر اساس آن کل قلمرو معرفت آدمی انسان‌محور و به تعبیر دقیق‌تر معرفتی استعلایی‌محور است»؛^{۳۸} اما شخص نشانه تجسم‌یافته در شبکه تاریخی پیوندها اجتماعی است که برای تفسیر و دگرگونی همیشگی باز است. هنجارگرایی یک منشأ ناب ندارد، بلکه برعکس، چیزی است که «ما در راه، به‌منزله سازمان‌ناگزیبر ممکن و متغیر در زندگی ترکیبی طبیعی-فرهنگی افراد آن را می‌سازیم»^{۳۹} فرارفتن از ایدئالیسم کانتی که استوار بر سوژه خودبنیاد است، بایسته آن است که مبانی هنجارگرایی و فاعلیت را نه در چهارچوبی استعلایی، بلکه سراسر احتمالی، تاریخی، تکاملی و زبانی جست‌وجو کرد. رهیافت این اندیشه امکان پیش‌بینی مبنایی برای امکان‌های سیاسی و اخلاقی سایبورگ‌هاست؛ بنابراین هیچ جایگاه برین و جهانی برای مجموعه ویژه‌ای از هنجارها نه بر پایه خرد ناب و نه هیچ باور دیگری وجود ندارد. می‌توان گفت پذیرش سایبورگ‌ها در جامعه انسانی و شناخت آنان به‌مثابه گونه‌ای تکامل انسان خردمند و بنابراین بایستگی پیکربندی

36. Aleksandra Lukaszewicz, *Cyborg Persons*, 26-29.

37. Joseph Margolis, "Toward a Metaphysics," 489-490.

۳۸. علی‌اکبر عبدالآبادی، «نگاهی به جایگاه مفهوم استعلایی در فلسفه نظری کانت (با توجه به پاره‌ای از مصادیق آن در کتاب نقد عقل محض)»، *پژوهش‌های فلسفی* ۵۳، شماره ۲۱۶ (بهار و تابستان ۱۳۸۹): ۱۰۱.

39. Joseph Margolis. *Introduction to Philosophical Problems* (London: Bloomsbury Publishing, 2006), 57.

دوباره حقوق بشر، با پنداشت فناوری، حیوانات، جهان طبیعی و سایبورگ‌ها در کنار انسان در یک شبکه اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود؛ شبکه‌ای که نانشان‌ها را به‌گونه‌ای اجتماعی می‌کند؛ در چنین شبکه‌ای هر چیزی و از جمله موجودات زنده بر ساخته و ترکیبی از پیوندهای موجود در شبکه هستند. حق‌ها و آزادی‌ها و قلمروی آنها نیز سرشتی ترکیبی دارند.^{۴۰} بدین‌سان، حق‌های یک سایبورگ نیز ترکیبی و نسبی خواهد بود و این پدیده تا جایی که از دیدگاه جامعه مورد نظر، به اندازه‌ای بیگانه نشده باشد که نتوان آن را در یک شبکه اجتماعی درک کرد، از حقوق بشر برخوردار است.

شاید سایبورگ علی‌رغم آنکه بشر انگاشته شود، ولی از گونه «انسان خردمند» (Homo Sapiens) متفاوت باشد؛ چراکه با توجه به ساختار عمدتاً غیر زیستی آن نیازها و علائق ناهمگونی خواهد داشت. با وجود این، می‌توان از «کرامت سایبورگ» پرده برداشت و آن را با ایده کرامت ذاتی انسان به‌مثابه وضعیتی اخلاقی و کیفیت مربوط به شایسته‌بودن سازگار دانست.^{۴۱} حقوق بشر با هم‌پیوندی فناوری در بدن‌های ما تکامل خواهد یافت و این دستاورد یک فرآیند طبیعی است.^{۴۲} استدلال در راستای پیش‌بینی حق‌ها برای سایبورگ‌ها در چهارچوب فرایند تطور حقوق بشر به ترتیبی صورت‌بندی می‌شود که حلقه واپسین از این گردش تکاملی، نویددهنده شناسایی حق‌ها برای این پدیده است؛ در یونان باستان، تنها افراد سفیدپوست، مرد و آزاد متولد شده شایسته شهروندی و داشتن حقوق کامل بودند (حلقه نخست)؛ در آغاز تشکیل ایالات متحده تنها مردان سفیدپوست، آزاد و اروپایی شایسته برخورداری از حقوق کامل بودند (حلقه دوم)؛ باگذشت زمان به دیگر افراد همچون سیاه‌پوستان، آسیایی‌ها، برده‌زادگان، زنان، هم‌جنس‌گرایان و حتی برخی حیوانات حقوقی داده شد (حلقه سوم)؛ دست‌آخر، سایبورگ‌ها نیز از حقوق و آزادی برخوردار خواهند شد (حلقه

40. Woody Evans, "Posthuman Rights: Dimensions of Transhuman Worlds," *Teknokultura* 12, no. 2 (May 2015): 380-381, http://dx.doi.org/10.5209/rev_TK.2015.v12.n2.49072.

41. Thomas ter Wiljan, "When Cyborg meets Humanoid: a New Challenge for Human Rights" (Master diss., University of Twente, 2017), 44-50; Woodrow Barfield, *Cyber-Humans: Our Future with Machines* (Switzerland: Springer International Publishing, 2015), 130

چهارم).^{۴۳} بر همین مبنا، فرانسوا گرایان استدلال می‌کند که حق‌ها باید به همه ذهن‌های خودآگاه تعمیم داده شوند. در اخلاق زیستی، این دیدگاه به‌مثابه «انگاره شخصیت» (Personhood Theory) شناخته می‌شود: تنها «اشخاص خودآگاه» (self-aware persons) می‌توانند حقوق داشته باشند. لازم نیست «اشخاص» (Persons) انسان باشند و همه انسان‌ها نیز شخص نیستند. متخصصان اخلاق زیستی با کاوش درباره حقوق جنین و نوزاد، گونه‌های مختلف حیوانات و مرگ مغزی، هم‌داستان‌اند که حقوق شهروندی به اشخاص مربوط می‌شود، نه انسان‌ها؛ بر مبنای یافته‌های علمی در گستره‌های یادشده که در دهه‌های پسین امکان بارداری خارج از رحم را فراهم کرد، بازگرداندن هوشیاری به فردی که دچار مرگ مغزی شده است را ممکن ساخت و مرز میان انسان و حیوان را کم‌رنگ کرد، مسیر به سمت شهروندی سایبورگ بر مبنای شخصیت باز شده است؛ از این نگره، فرانسوا گرایان می‌خواهند جهانی ایجاد کنند که در آن همه افراد، بر پایه ظرفیت اندیشگری و احساس خود، بتوانند به‌عنوان شهروندانی برابر مشارکت و امور خود را کنترل کنند و بدون توجه به ویژگی‌های بدنی‌شان، به پیشینه ظرفیت خود دست یابند.^{۴۴}

تفاوت‌های میان انسان و غیر انسان به‌طور فزاینده‌ای ناآشکار می‌شود و به نظر می‌رسد انسان‌های خردمند را وادار می‌کند تا در حقیقت یک انسان سنتی، تاریخی و ناب‌بازنگری کنند.^{۴۵} با این حال، بسیاری از درک این موضوع ناتوان هستند که چنین امری «به معنای پایان انسانیت نیست؛ در برابر، پایان مفهوم ویژه‌ای از انسان را نشان می‌دهد»^{۴۶} که در انتهای دیگر آن شکل سایبورگ قرار دارد؛ «اگر سایبورگ تنها به‌منزله‌گونه نوینی از انسان در نظر گرفته شود، می‌توان انسان را موجودی هم‌زمان در حال ارتقا و حافظ ذات خود در نظر گرفت».^{۴۷} بر پایه این نگره، اصطلاح «انسان» نیاز به بازتعریف دارد تا حضور سایبورگ را درون انسان‌ها همچون یک گونه در نظر بگیرد. واقعیت آن است که انسان‌های خردمند همیشه در حال دگرگونی هستند، بنابراین امکان تعریف دقیق انسان وجود ندارد و تنها در

43. Lantz Fleming Miller, "Granting Automata Human Rights: Challenge to a Basis of Full-Rights Privilege," *Hum Rights Rev*, no. 16 (October 2015): 370, <https://doi.org/10.1007/s12142-015-0387-x>.

44. James Hughes, *Citizen Cyborg*, 79-82.

45. David-Jack Fletcher, "Recalibrating the Human," *NEO: Journal for Higher Degree Research in the Social Sciences and Humanities* 5 (Aug 2012): 4.

46. Katherine N Hayles, *How We Became Posthuman*, 286.

47. David-Jack Fletcher, "Recalibrating the Human," 4.

زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی خاص می‌توان برداشت از آن را روشن ساخت. اگر انسان همیشه در حال تغییر شکل و دگرگونی پارادایماتیک است، می‌توان پنداشت که جوهر انسان نیز پیوسته دستخوش تغییرات همسانی است؛ از این رو «تصدیق انسان به‌منزله یک شکل سایبورگ موجود در یک زمینه پسانسان نباید به معنای حذف ذات انسان باشد، بلکه صرفاً به معنای بازتظیم چیستی ذات و معنای آن برای انسان، در راستای ساختن سوژه‌مندی اوست»^{۴۸} بدین آیین، تبدیل شدن به سایبورگ بر سرشت تکامل‌محور انسان از گونه نخستین تا کنون استوار است.

۵- رهیافت

این نوشتمان با واکاوی سایبورگ به‌مثابه یکی از مناقشه‌انگیزترین دستاوردهای زیست‌فناوری کوشید تا چالش‌های بنیادین آن را از چشم‌انداز حقوق بشر بیان و دست‌کم افقی برای پاسخ به آنها بگشاید. پرسمان هسته‌ای آن است که آیا حقوق بشر که بر پایه هژمونی انسان در چهارچوب فلسفه روشنگری شکل گرفته است، می‌تواند همچنان کارکرد خود را در وضعیت پیدایش پدیده‌های آمیخته از اندام زیستی و ابزار ماشینی اعمال کند؟ رهیافت این مقاله از یک سو بر بایستگی بازبینی در مفهوم انسان و در نتیجه پیکربندی دوباره معنا و گستره حقوق بشر و از سمتی دیگر بر پنداشت سایبورگ همچون گامی در فرگشت انسان و نه عبور از آن، استوار است. تبدیل شدن به سایبورگ گام قابل توجهی در تکامل گونه انسان کنونی است که پیامد آن بازبینی در شالوده‌های انسان‌شناختی حقوق بشر است؛ این رهیافت دستامده تحلیلی گزاره‌های فشرده زیر است:

- (۱) سایبورگ به‌منزله آمیخته انسان و ماشین دارای گستره مفهومی و مصداقی گسترده‌ای است؛
- (۲) در میان گونه‌گونی فرآیندهای تبدیل شدن به سایبورگ، آنچه بیشتر از نظرگاه حقوق بشر چالش‌زاست، مداخلات توان‌افزا در قابلیت‌های طبیعی بدن انسان است؛
- (۳) پسانسان‌گرایی با ساختن دوتایی میان «انسان» و «سایبورگ» ترسیم‌گر دنیای مبتنی بر گسست از انسان و پانهادن به جهان پسانسانیت است؛ سوژکتیویته پسانسان به‌صورت کانونی با گونه انسان‌گرایانه آن ناهمسان است؛
- (۴) فرانسان‌گرایی با تکیه بر مبانی انسان‌گرایی، دگرگونی‌های زیست‌فناوری را به‌مثابه

48. David-Jack Fletcher, "Recalibrating the Human," 4.

پرده‌گاهی در گذار به آینده پسانسانی و همچون امکانی برای بازتعریف انسان قلمداد می‌کند؛
(۵) فن‌هراسان با تأکید بر حقوق بشر مبتنی بر انسان خودبنیاد، فناوری‌های زیستی و به‌ویژه مداخلات سایبورگی در بدن انسان را ناقض تمامیت جسمانی گونه انسانی و خطری
ست‌رگ برای آن می‌پندارند که باید آن را مهار کرد؛

(۶) مداخله فناوری در بدن و تبدیل شدن به سایبورگ می‌تواند در برداشتی واقع‌گرایانه
به‌مثابه گامی نوین در دگرگونی مفهوم انسان و زمینه‌ساز بازتیین آن و سرانجام بازاندیشی در
معنا و گستره حقوق بشر باشد.

در این باره پای ملاحظه بنیادین دیگری نیز در میان است؛ اگر فرآیند سایبورگ‌شدن،
پرده‌ای از داستان تکامل انسان است، انسان کنونی که خود نیز بر پایه آمیزش با جهان مصنوع
پیرامونش و به‌ویژه زبان و فرهنگ تحول یافته است، آنگاه مرز این تطور کجاست تا فرارفتن
از آن برون‌رفت از گستره انسانیت با همه دگرذیسی‌های ایجادشده در آن پنداشته شود؟ به نظر
می‌رسد هر گونه تغییر در بدن انسان و ارتقای آن با به‌کارگیری فناوری حتی اگر سبب
جایگزینی کامل آن با اندامگان مصنوعی شود تا هنگامی که تحت هدایت مغز زیستی و نه
بازسازی شده باشد، می‌توان از چنین سایبورگی به‌مثابه شکل نوینی از انسان کنونی نام برد؛ در
چنین فرضی، سایبورگ به‌منزله موجودی دارای مغز انسانی در یک بدن مصنوعی پنداشته
می‌شود؛ ولی پژوهش‌های مبتنی بر امکان دست‌کاری‌های فناورانه در مغز انسان‌ها، امکان
دگرگونی‌های سهمگینی را در این اندام پیش‌بینی می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که فرآیند هم‌پیوندی بدن با
فناوری سرانجام به طراحی مغز غیر زیستی خواهد انجامید؛ اگر مغز انسان که کانون اندیشه،
آگاهی، عواطف و احساسات اوست عمدتاً به دست ابزاری خارجی شبیه‌سازی و هدایت
شود، آیا همچنان با سایبورگ به‌مثابه گونه نوین و تطوریافته انسان خردمند مواجه هستیم؟ در
چهارچوب «توان‌بخشی عصبی» (Neurorehabilitation) محتمل است که مغز آسیب‌دیده
شخص را از راه برانگیختن میکروالکتریکی بر پایه برنامه‌گرافیکی سه‌بعدی، به وضعیت
کارکرد بالقوه بازگرداند. مغز نو تحت راهنمایی متخصصانی که می‌توانند تا اندازه‌ای چگونگی
شکل‌گیری ویژگی‌های شناختی و شخصیتی فرد را دیکته کنند، شکل می‌گیرد. چنین
گمان‌هایی باب پژوهش درباره پدیده نوین سایبورگ از نظرگاه‌های حقوق بشری را همچنان
گشوده نگاه می‌دارد و نوشتار کنونی را باید همچون گامی نخستین در ادبیات داخلی به شمار
آورد.

سیاهه منابع

الف-منابع فارسی:

- عبدالآبادی، علی‌اکبر. «نگاهی به جایگاه مفهوم استعلایی در فلسفه نظری کانت (با توجه به پاره‌ای از مصادیق آن در کتاب نقد عقل محض)»، پژوهش‌های فلسفی، سال ۵۳، شماره ۲۱۶ (بهار و تابستان ۱۳۸۹): ۸۱-۱۰۳.
- فوکویاما، فرانسیس. *آینده پسا انسانی ما*، ترجمه حبیب‌الله فقیهی‌نژاد. تهران: مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران، ۱۳۸۴.
- قاری سیدفاطمی، سید محمد. *حقوق بشر معاصر، دفتر اول: درآمدی بر مباحث نظری*؛ مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع. تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۹۶.
- هاراوی، دانا. *مانیفست سایبرگ: فمینیسم در روابط اجتماعی علم و فن‌آوری*. ترجمه امین قضایی. تهران: نشر گل‌آذین، ۱۳۸۷.

ب- منابع لاتین:

- Annas, George J. Andrews Lori B, and Isasi, Rosario, M. "Protecting the Endangered Human: Toward an International Treaty Prohibiting Cloning and Inheritable Alterations." *American Journal of Law & Medicine* 28, no. 2-3 (2002):151-178. <http://dx.doi.org/10.1017/S009885880001162X>.
- Barfield, Woodrow, and Williams, Alexander. "Law, Cyborgs, and Technologically Enhanced Brains." *Philosophies* 2, no. 1 (February 2017): 1-17. <https://doi.org/10.3390/philosophies2010006>
- Barfield, Woodrow. "The Process of Evolution, Human Enhancement Technology, and Cyborgs." *Philosophies* 4, no.1 (February 2019): 1-14. <https://doi.org/10.3390/philosophies4010010>.
- Barfield, Woodrow. *Cyber-Humans: Our Future with Machines*. Switzerland: Springer International Publishing, 2015.
- Belk, Russell. "Robots, Cyborgs, and Consumption." In *The Cambridge Handbook of Psychology and Economic Behaviour*, edited by Alan Lewis, 741-758. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bostrom, Nick. "The Transhumanist FAQ: A General Introduction." In *Transhumanism and the Body*. *Palgrave Studies in the Future of Humanity and Its Successors*, edited by Calvin Mercer, and Derek F. Maher, 1-17. New York: Palgrave Macmillan, 2014.

- Braidotti, Rosi. *The Posthuman*. Cambridge: Polity Press, 2013.
- Brey, Philip. "Human Enhancement and Personal Identity." In *New Waves in Philosophy of Technology. New Waves in Philosophy*, edited by Jan Kyrre Berg Olsen, Evan Selinger, and Søren Riis, 169-185. London: Palgrave Macmillan, 2009.
- Charter of Fundamental Rights of the European Union," Last Visited August 4 2022,
<https://eur-lex.europa.eu/legalcontent/EN/TXT/?uri=CELEX:12012P/TXT>.
- Clynes, Manfred E, and Kline, Nathan S. "Cyborgs and Space." *Astronautics*, no. 14 (September 1960):29-33.
- Evans, Woody. "Posthuman Rights: Dimensions of Transhuman Worlds." *Teknokultura* 12, no. 2 (May 2015): 373-384.
http://dx.doi.org/10.5209/rev_TK.2015.v12.n2.49072.
- Fletcher, David-Jack. "Recalibrating the Human." *NEO: Journal for Higher Degree Research in the Social Sciences and Humanities* 5 (Aug 2012): 1-12.
- Gray, Chris Hables. *Cyborg Citizen: Politics in the Posthuman Age*. London: Routledge, 2001.
- Halacy, Daniel Stephen. *Cyborg - Evolution of the Superman*. New York: Harper and Row, 1965.
- Hayles, Katherine N. *How We Became Posthuman: Virtual Bodies in Cybernetics, Literature, and Informatics*. Chicago: University of Chicago Press, 1999.
- Hughes, James. *Citizen Cyborg: Why Democratic Societies Must Respond To The Redesigning Human of The Future*. Boulder, Colorado: Westview Press, 2004.
- Ivanc, Blaž. "The Right to Cyborgization in Slovenia." *Medicine, Law & Society* 12, no.1 (April 2019): 1-16. <https://doi.org/10.18690/mls.12.1.1-16.2019>.
- Jones, Nicholaos, and Jones, Holly. "Race as Technology: From Posthuman Cyborg to Human Industry." *Ilha do Desterro* 70, no. 2 (June 2017): 39-51. <https://doi.org/10.5007/2175-8026.2017v70n2p39>.
- Kurzweil, Ray. *The Singularity Is Near*. New York: Viking Adult, 2005.
- Lake, Christina Bieber. *Prophets of the Posthuman: American Fiction, Biotechnology, and the Ethics of Personhood*. Notre Dame, Indiana: University of Notre Dame Press, 2013.

- Livingston, Steven, and Risse, Mathias. "The Future Impact of Artificial Intelligence on Humans and Human Rights." *Ethics & International Affairs* 33, no. 2 (June 2019): 141-158. <https://doi.org/10.1017/S089267941900011X>.
- Lukaszewicz, Aleksandra. *Cyborg Persons or Selves*. Poland: Mediów Akademii Sztuki w Szczecinie, 2019.
- Margolis, Joseph. "Toward a Metaphysics of Culture." *Human Affairs* 23, no. 4 (September 2013): 474-494. <https://doi.org/10.2478/s13374-013-0143-3>.
- Margolis, Joseph. *Introduction to Philosophical Problems*. London: Bloomsbury Publishing, 2006.
- Midgley, Mary. "Biotechnology and Monstrosity. Why We Should Pay Attention to the Yuk Factor." *The Hastings Center Report* 30, no. 5 (October 2000): 7-15. <https://doi.org/10.2307/3527881>.
- Miller, Lantz Fleming. "Granting Automata Human Rights: Challenge to a Basis of Full-Rights Privilege." *Hum Rights Rev*, no. 16 (October 2015): 369-391. <https://doi.org/10.1007/s12142-015-0387-x>.
- Pearlman, Ellen. "I, Cyborg." *PAJ: A Journal of Performance and Art* 37, no. 2 (May 2015): 84-90.
- Quigley, Muireann, and Ayihongbe, Semande. "Everyday Cyborgs: On Integrated Persons and Integrated Goods." *Medical Law Review* 26, no. 2 (Spring 2018): 276-308. <https://doi.org/10.1093/medlaw/fwy003>.
- Ranisch, Robert, and Lorenz Sorgner, Stefan. "Introducing Post- and Transhumanism." In *Post- and Transhumanism: An Introduction*, edited by Robert Ranisch, and Stefan Lorenz Sorgner, 7-28. New York: Peter Lang, 2014.
- Viljanen, Mika. "A Cyborg Turn in Law?." *German Law Journal* 18, no. 5 (September 2017): 1277-1308. DOI: <https://doi.org/10.1017/S2071832200022331>.
- Waldron, Jeremy. "Dignity and Rank In memory of Gregory Vlastos." *European Journal of Sociology* 48, no. 2 (August 2007): 201-237. <http://dx.doi.org/10.1017/S0003975607000343>.
- Warwick, Kevin. "Cyborg Morals, Cyborg Values, Cyborg Ethics." *Ethics and Information Technology* 5, no. 3 (September 2003): 131-137. <https://doi.org/10.1023/B:ETIN.0000006870.65865.cf>.
- Wiljan, Thomas ter. "When Cyborg meets Humanoid: a New Challenge for Human Rights" Master diss., University of Twente, 2017.